جزوه طراحی (استاد یزدانی) :

مطالب آقای پاکار :

**تعريف روش :**

« روش » در مقابل واژه ي لاتيني «متد » به كار مي رود ، واژه ي متد در فرهنگ فارسي « معين » به :روش ، شيوه ،راه ،طريقه ، طرز ، اسلوب معني شده است. به طور كلي «راه انجام دادن هر كاري»را روش گويند .روش تدريس نيز عبارت از راه منظم با قاعده و منطقي براي ارائه درس مي باشد .

تعریف فن :

فن در مقابل واژه ي لاتيني «تکنیک» به كار مي رود ،واژه تکنیک در فرهنگ فارسی معین به : راه،شیوه و روش معنی شده است در اصطلاح هم به معنی : راه به کارگیری مهارت های اساسی و یا روش انجام ماهرانه کار است.

انواع روش ها:

* نوین

روش چند حسي ( مختلط ) - روش حل مسئله - روش پـروژه اي - شيوه نمايشـي -شيــوه گــردش علمــي - استفاده از منابـع ديداري و شنيـداري الگـوي ايفاي نقش . الگـوي پيش سازمـان دهنده - الگوی بدیعه پردازی - الگوی آزمایشگاهی

* سنتی

روش كنفــانس -روش شاگرد ـ استـادي -شيــوه سخنـراني -شيوه بازگويي -شيــوه پـرسش و پاســخ -شيوه تمـريني -شيوه بحثـي-شیوه کارگاهی

روشهای سنتی :

روش شاگــرد ـ استــادي

روش شاگرد – استادی سيستمي براي تعليم و تربيت مسلمانها به كار برده است. از روشهاي تعليمي كه در روش شاگرد ـ استادي حائز اهميت است , روش حلقه يا مجلس است, كه پيامبر عظيم الشان اسلام از اين روش به مردم آن زمان آموزش مي داد ، در اين روش به دانش آموزان اجازه داده مي شود كه نقش معلم را ايفا كنند. هدف اساسي اين روش آن است كه شاگرد , معلم گردد و از اين طريق تجارب تازه و ارزشمندي به دست آورد .در اين روش ,در صورت فقدان معلمان متخصص, تعداد زيادي از دانش آموزان مهارت خاص را آموخته اند و مي توان از آنها استفاده كرد .

شيوه بازگويــي   
بازگويي شيوه اي است كه معلم بكار مي برد تا فراگير را در بياد سپردن اشعار, قواعد, فرمولها, تعاريف و اصطلاحات تشويق كند. در بازگويي معمولاً معلم از دانش آموز انتظار دارد كه موضوع بياد سپرده را كلمه به كلمه بيان كند. شيوه بازگويي مطالب, با آنكه اغلب در كلاسها مورد استفاده قرار مي گيرد, ولي متاسفانه ضرورتاً دلالت بر تحقق يادگيري نمي كند .

شيـوه پــرسش و پاسـخ

شيوه پرسش و پاسخ شيوه اي است كه معلم به وسيله آن فراگير را به تفكر در باره مفهومي جديد يا بيان مطالبي فرا گرفته شده تشويق مي كند. معلم, وقتي كه مي خواهد مفهوم دقيقي را در كلاس مطرح نمايد يا توجه فراگيران را به موضوعي جلب كند شيوه پرسش و پاسخ را به كار مي برد و نيز بدين وسيله فراگير را تشويق مي كند تا اطلاع خود را درباره موضوعي بيان كند ممكن است براي مرور كردن مطالبي كه قبلاً تدريس شده اند مفيد باشد, يا وسيله خوبي براي ارزشيابي ميزان درك فراگير از مفهوم مورد نظر باشد.(تدریس هفته قبل)

شيوه تمــــريني

معلم معمولاً بوسيله تمرين, فراگير را به تكرار مطلب يا كاربرد آن تشويق مي كند تا فراگير در موضوع مورد نظر تبحر لازم را كسب كند. مثلاً معلم انگليسي از فراگير مي خواهد كه با تكرار شفاهي اصطلاحات, تلفظ صحيح آنها را فراگيرد, يا بعد از يافتن طرز ساختن جملات شرطي, پنج جمله شرطي بسازد. ممكن است معلم رياضي , پس از درس دادن مفهوم مشتق و طرز مشتق گيري از توابع, از دانش آموزان بخواهد كه ده مسئله در رابطه با اين موضوع حل كنند.

شيـــوه بحثـي

در شيوه بحثي, دانش آموزان فعالانه در يادگيري شركت مي كنند و مفهوم مورد نظر را از يكديگر مي آموزند. در اين شيوه معلم را مي توان به عنوان محرك, شروع كننده بحث و راهنما تصور كرد. معلم طوري سوال يا مسئله را مطرح مي كند كه دانش آموزان را به پاسخگويي يا حل مسئله تشويق كند. انواع مباحثه : کنترل شده توسط معلم(معلم\_شاگرد\_معلم) آزاد :گروهی(بحث مورد علاقه،6 ال 20 نفره،رهبر منشی دانش آموزان مطلع) .

* روش كارگاهي

توضیحی: انتقال مستقیم اطلاعات به دانش آموز با استفاده از موارد چاپی یا شفاهی

سخنرانی : زیر مجموعه روش توضیحی فقط به خاطر قدمتش است که مستقل محسوب میشود .

توضیحی(سخنرانی): محاسن - محدودیت آن :

محاسن

1-استفاده از معلومات معلم به صورتت منسجم و یکجا 2- مقرون به صرفه 3- انعطاف پذیر 4- تقویت مهارت گوش دادن

محدودیت ها

1- متکلم وحده بودن 2- مهارت عملی ندارد 3- عدم توجه به تفاوت های فردی 4-مهارت سخنرانی

روش كنفـــــرانس (سنتی)

اين روش با روش سخنراني تفاوت دارد زيرا در روش سخنراني، معلم مسئول دادن اطلاعات به دانش آموزان است. در حاليكه در اين روش اطلاعات توسط دانش آموزان جمع آوري و ارائه مي گردد. اين روش مي تواند مشخص كند كه دانش آموزان تا چه اندازه مي دانند. اين روش يك موقعيت فعال براي يادگيري به وجود مي آورد. نقش معلم در كنفرانس صرفاً هدايت و اداره كردن جلسه و جلوگيري از مباحثاتي است كه منجر به انحراف از موضوع كنفرانس و روال منطقي آن شود. اين روش براي كليه دروس وسنين مختلف كاربرددارد..

روش کارگاهی :1- مــرحله ارایه درس کـوتاه : اين مرحله مباني نظري مورد بحث توسط مدرس كارگاه تبيين و تحليل مي شود.2- مرحله فعاليت و كار: دانش آموزان, دانشجويان و يا كارورزان و مربيان شركت كننده در كارگاه به گروههاي كوچك 2 الي 3 نفره يا انفرادي تقسيم و بر روی موضوعات تعیین شده فعالیت می نمایند. 3- مـرحله مشاركت : در اين مرحله مجدداً دانش آموزان شركت كننده در كارگاه كه به گروههاي 2 الي 3 نفره يا انفرادي تقسيم شده بودند, دور هم جمع مي شوند, كه به بحث و بررسي جمع بندي موضوعات تعيين شده مي پردازد.

روش های نوین

روش چند حســـي ( مختلط ) :  
استفاده از اين روش مستلزم به كار گرفتن همه حواس است و جريان يادگيري از طريق تمام حواس صورت مي گيرد . از طريق كار بست اين روش مي توان , مطالب و مهارتها را درك كرد , ارتباط موثرتري برقرار كرد , مهارتها و مطالب را از يك موقعيت به موقعيت ديگر تعميم داد. در يادگيري روش چند حسي به طور كلي از همه حواس استفاده مي شود,

روش حل مسئلــــه

فرایندی است برای کشف توالی و راههای رسیدن به یک هدف ؛ اين روش يكي از روشهاي فعال تدريس است. اگر نظام آموزشي بخواهد توانايي حل مسئله را به دانش آموزان ياددهد البته مسئله به معني مشكل و معضل نيست, به بيان ديگر مسئله موضوعي نيست كه براي ما مشكل ايجاد كند, بلكه رسيدن به هدف در هر اقدامي, به نوعي حل مسئله است,

مراحل حل مسئله :

1.مشخص کردن رفتار نهایی(ساختن ترازو) 2.اطمینان از علم دانش آموز نسبت به مفاهیم اصلی(اهرم،اتکا و...) 3.فراهم کردن شرایطی برای به خاطر سپاری اصول(مشاهده ابزار لازم) 4.راهنمایی شفاهی دانش آموز برای حل مساله5.اطمینان از یادگیری دانش آموز از طریق بسط به موقعیت ها.

راه های حل مساله :

1.ازمون و خطا(دسته کلید) 2.بینش و شناخت (مثل مورس و ابجد) 3.روش تحلیلی(استفاده از هردو قبلی،حد آزادی نوجوانان)

نکته:اگر روش حل مسئله درست انجام شود مي تواند منجر به بارش يا طوفان فكري گردد. يعني اگر معلم روش تدريس حل مسئله را به درستي انجام دهد, دانش آموزان مي كوشند تا براي حل مسئله با استفاده از تمام افكار و انديشه هايي كه دارند, در كلاس راه حلي بيابندو آن را ارائه دهند.

روش پـــروژه اي   
روش تدريس پروژه اي به دانش آموزان امكان مي دهد تا قدرت مديريت, برنامه ريزي و خود كنترلي را در خودشان ارتقاء بخشند. در اين روش دانش آموزان مي توانند با توجه به علاقه ي خود موضوعي انتخاب و به طور فعالانه در به نتيجه رساندن آن موضوع شركت نمايند. براين اساس در اين روش دانش آموزان ياد مي گيرند كه چگونه به طور منظم و مرحله اي كاري را درس انجام دهند و اين روش باعث تقويت اعتماد به نفس در دانش آموزان مي شود

شيـوه نمايشـي   
در اين شيوه معلم معمولاً, براي فهماندن مطلبي خاص به فرا گيران, از وسايل و اشياء گوناگون استفاده مي كند. در صورتي كه معلم نتواند براي فهماندن مطلب درسي آزمايش انجام دهد, شيوه نمايشي مي تواند شيوه خوبي براي روشن تر كردن مفهوم براي فراگيران باشد. مثال اتم جامد مایع گاز

مراحل نمایشی

1.آمادگی: وسایل کار را از قبل آماده و امتحان کنید(بزرگترین ضربه) 2.توضیح:قبل از نمایش هدف را شرح دهید و به دانش آموزان توضیح دهید که دقیقا چکار باید بکنند-3-.نمایش دادن:- 4.آزمایش و سنجش: نوبت دانش آموزان است که انجام و تکرار کنند و سپس سوالات شفاهی را ضمیمه کنید.

شيــوه گـردش علمـــي :  
گردش علمي به دانش آموزان امكان مي دهد كه از طريق مشاهده طبيعت, وقايع, فعاليت ها, اشياء و مردم تجربه علمي بدست آورد. در گردش علمي دانش آموزان با مشاهده واقعيتها مي توانند مفاهيمي را كه در در كلاس مورد بحث قرار مي گيرد, بهتر در ذهن خود بپرورانند و معلم مي تواند با استفاده از اين شيوه كنجكاوي فراگيران را درباره موضوعي خاص بر انگيزد.

استفاده از منابـــــع ديداري و شنيــــداري :  
استفاده از منابع ديداري و شنيداري در تدريس را در حقيقت نمي توان شيوه مستقل و مجزا دانست. معلم در هر گونه تدريسي مي تواند از وسايل ديداري و شنيداري كمك بگيرد. گاهي مي توان در تدريس از وسايلي نظير راديو , تلويزيون و ضبط و پخش صوت, نمودار و نقشه استفاده كرد. مثلاً معلم در هنگام سخنراني ممكن است از عكس استفاده كند, يا براي نمايش دادن يك رابطه علمي از نمودار كمك بگيرد.

الگــــــــوي ايفاي نقش :  
هدف اين الگو ,رشد همدلي با ديگران و بررسي مسايل وواقعيت ها و ارزشهاي اجتماعي در عمل است. در اين الگو معلم مسئول شروع و هدايت دانش آموزان است. به نحوي كه آنها را قادر به تحليل رفتار, ارزشهاي فردي, حل مسائل ميان فردي ,نقش ارزشها در مسائل اجتماعي و آسودگي در ابراز عقايد نمايد. بطور كلي اين الگو باعث افزايش فهم دانش آموزان در بهبود و گسترش ارزشهاي اجتماعي مي شود. : براي مثال: معلم مي تواند از طريق اين الگو مسائل خوب و بد اجتماعي و يا رفتارهاي خوب و بد را توسط دانش آموزان به نمايش بگذارد و سپس در مورد آن به كمك فراگيران به بحث و ارزشيابي بپردازد. بدين ترتيب معلم از طريق عمل ( نمايش ) به بررسي مسائل اجتماعي, رفتاري و ارزشيابي آن توسط دانش آموزان مي پردازد.

الگوی پیش سازمان دهنده:

یادگیرنده اطلاعات دریافتی را به شیوه خود تعبیر و تفسیر می کند و اینکار را بر اساس عواملی چون دانش پیشین، انگیزه و علاقه فردی انجام می دهد.و مدام در حال تعبیر و تففسیر است .یادگیرنده در این الگو یک دید کلی از هدف داشته و این خود باعث می شود تا راههای مناسب برای دستیابی به هدف انتخاب کند.

الگوی ساختارگرایی

بر این باورند که انسانها هر چیزی را می توانند بیاموزند به این شرط که که بتوانند آنها را در ذهن خود معنا دار سازند .ساختار گرایان توصیه می کنند به جای اینکه تلاش کنید یک واقعیت بیرونی را برای برای یادگیرندگان مجسم کنید، کمک کنید تا آنها خود یک تجسم معنا دار بوجود آورند

مراحل روش ساختار گرایی:

* در گیر کردن: با ارائه مسئله و یا مشاهده ناهمخوان و یا هر فعالیتی دیگر فراگیران را جذب می کند.
* کاوش کردن: فراگیر با استفاده از همه حواس خود به منظور ساخت دانش تلاش می کند.
* توصیف کردن: معلم با فراگیران به تعامل می پردازد تا دیدگاههایی را که عرضه شده در یابد.
* گسترش دادن: تعمیم نتایج به دست آمده مفاهیم کسب شده
* ارزشیابی: لازم است یافته ها و مهارتهای اکتسابی و کیفی فراگیران را بیازماید تا از تغییرلت پدید آمده در تفکرات و میزان تسلط بر مهارتها آکاهی یابد

الگوی بدیعه پردازی:

مقایسه یک مفهوم و یا نظر با مفهوم و نظر دیگر و استفاده از تشبیه و تمثیل برای بیان واقعیتهای موجود.

مراحل اجرا:

* توصیف وضعیت موجود - قیاس مستقیم -قیاس شخصی-تعارض فشرده-قیاس مستقیم-بررسی دوباره تکلیف نخست .

روش گروه کوچک:1تقسم دانش آموزان به گروه های کوچکت-2-معلم نقش راهنما و هماهنگ کنندهع را دارد

مطالب آقای خداداد و حاجی عظیمی : مهارت ضمن.قبل وبعد تدریس :

فرایند تدریس، مجموعه اعمالی است سنجیده، منطقی و پیوسته که به منظور ارائه درس از طرف معلم صورت می گیرد.

توانایی هایی که معلم برای اجرای این اعمال کسب می کند،مهارت های فرایند تدریس نامیده می شوند.

مهارت های تدریس به سه مرحله کلی تقسیم می شود: مهارتهای قبل از تدریس، مهارتهای ضمن تدریس و مهارتهای بعد از تدریس

مهارتهای قبل از تدریس :

این بخش، به فعالیت ها و اقداماتی که معلم پیش از شروع درس، انجام می دهد مربوط می گردد. معلم، قبل از این که به مدرسه برود و در کلاس شروع به تدریس کند، باید خود را برای این کار آماده و مجهز سازد.

شناخت و تدوین هدف های آموزشی : تعیین هدف در فعالیت های آموزشی، لازم وضروری است؛ زیرا تا کسی نداند به کجا خواهد رفت، هرگز قادر نخواهد شد که وسیله مناسب رفتن را فراهم کند؛ اما برنامه ریز حق ندارد در تعیین هدف های آموزشی، تمایلات شخصی خود را دخالت دهد.

هدف به هر شکلی که تعریف شود، باید اصول ذیل در آن رعایت شود:

۱-روش و وسیله، باید متناسب با هدف باشد.۲-هدف، باید انعطاف پذیر باشد.۳-هدف، باید فرد را به فعالیت برانگیزد.۴-هدف، باید متناسب با اوضاع، احوال و امکانات باشد.۵-هدف، باید قابل وصول باشد

در تعیین هدف های آموزشی، لازم است حیطه های یادگیری مشخص شود. یادگیری، معمولاً در سه حیطه شناختی، عاطفی و روانی- حرکتی اتفاق می افتد.

طراحی برنامه تدریس :

پس از اینکه هدف های آموزشی در فرایند تدریس مشخص شد،معلم باید برنامه کار خود را در طول سال تحصیلی مشخص کند.

پس از اینکه معلم، برنامه یک سال تحصیلی را برای خود مشخص کرد، نوبت به طرح درس روزانه می رسد؛ برنامه ای که معلم مدون و سنجیده قبل از تدریس و برای یک جلسه درس تهیه می کند را، طرح درس روزانه می نامند.

طرح درس روزانه، از اجزایی تشکیل می شود که عبارتند از:

تعیین هدف درس جدید، تعیین رفتار ورودی، تهیه آزمون رفتار ورودی، انتخاب روش ها و فنون تدریس، تعیین مواد آموزشی و تعیین فعالیت های یادگیری برای شاگردان

انتخاب مواد و وسایل آموزشی رسانه ها :

معلم، باید با توجه به هدف های طرح درس، از میان انواع مواد و وسایل آموزشی، مناسب ترین آنها را انتخاب کند. رسانه هایی که انتخاب می شوند، باید ویژگی های فنی ذیل را داشته باشند : توانایی انتقال پیام مورد نظر، قابلیت حمل ونقل، در دسترس بودن و اقتصادی بودن

تعیین فعالیت های یادگیری :

معلم، باید انواع فعالیت های یادگیری را که انجام آنها را برای شاگردان ضروری تشخیص می دهد، در طرح درس پیش بینی کند؛ فعالیت های یادگیری نیز به نوع درس بستگی دارد، که چه روش یادگیری مناسب است برای آن درس استفاده شود؛ همچنین باید نوع تکلیف در طرح درس معین شود .

مهارت های ضمن تدریس

این بخش به فعالیت هایی که معلم باید در ضمن تدریس به کار بگیرد، مربوط می شود.

مهارت های ضمن تدریس عبارتند از: اجرای آزمون رفتار ورودی، برقراری ارتباط، تمرکز بخشی، آماده سازی، ارائه درس جدید، جمع بندی و برقراری انضباط در کلاس.

مهارت اجرای آزمون رفتار ورودی  
  
معلم باید رفتار ورودی شاگردان را در طرح درس خود تعیین کند، و آزمونی هم برای آن تنظیم نماید؛ اما مسأله این است که شاگردان یک کلاس، دارای توانایی ها و قابلیت های یکسان نیستند؛ با این وصف، چطور می توان در آموختن موضوعی نقطه شروع مشترک و واحدی را برای آنان تعیین کرد؟ پاسخ به این سوال، با اجرای آزمون رفتار ورودی که در حقیقت، انجام ارزشیابی تشخیصی است‌ امکان پذیر می شود. با اجرای این آزمون، توانایی ها و مهارت هایی که شاگردان فاقد آن هستند، یا مهارت هایی را که دارند، می توان تعیین کرد .

مهارت برقراری ارتباط :

عمده ترین مسأله و مهمترین مهارت ضمن تدریس،‌ برقراری ارتباط صحیح بین معلم و شاگردان است. چنانچه این ارتباط به خوبی برقرار شود، هدف های آموزشی با کیفیت و سهولت بیشتری تحقق می یابند.

مهارت تمرکز بخشی

عواملی وجود دارند که در امر تدریس معلم، اخلال ایجاد می کنند؛ ‌از این رو یکی از وظایف مهم معلم این است که عوامل مخل را، با مهارت های درست برطرف سازد.

فنونی که برای جلب توجه شاگردان وتمرکز بخشیدن به حواس به کار می روند عبارتند از:

دارا بودن معلم از فن بیان بالا، حرکت کردن در کلاس، جلب توجه کردن از طریق کلام و غیر کلام، ‌ایجاد تنوع در برقراری رابطه بین افراد کلاس، سکوت کردن معلم به طور لحظه ای و به کار گیری حواس مختلف شاگردان

مهارت آماده سازی

فعالیتی که معلم، از طریق آن سعی می کند ارتباطی معنا دار بین تجربیات قبلی و انتظارات و نیازهای شاگردان با هدف های آموزشی برقرار کند را، مهارت آماده سازی می نامند. به طور کلی هدف آماده سازی عبارت است از: تمرکز بخشیدن به حواس شاگردان،‌ معرفی ضمنی و غیر مستقیم موضوع درس و ایجاد علاقه، ‌انگیزه و کنجکاوی در شاگرد، برای یادگیری مطلب جدید

مهارت ارائه درس جدید :

الف) مهارت در انتخاب و تنظیم مطلب درس جدید: باید توجه داشت، مطالبی که پس از آماده سازی شاگردان ارائه

می شود، دارای پیوستگی و نظم منطقی باشد.

ب) مهارت در انتخاب روش ارائه درس: بعد از اینکه معلم با انواع روش ها و فنون تدریس آشنا شد، می تواند از آنها در تدریس خود استفاده کند؛ اما مفهوم چیزی که گفتیم این نیست که فقط از یک روش باید استفاده کند؛ بلکه می تواند مخلوطی از روش ها و فنون را در ارائه درس استفاده کند.

مهارت جمع بندی

جمع بندی عبارت است از: اعمال و یا گفتار معلم که به وسیله او طراحی می شوند، تا ارائه مطلب درسی جدید را به نتیجه و پایانی مناسب برساند. فعالیت هایی که در قسمت جمع بندی می توان به کار برد عبارتند از:

پیوند دادن یک مرحله از یادگیری به مراحل دیگر یادگیری،‌ پایان دادن به یک واحد کاری طولانی یا کوتاه و پایان دادن به انواع فعالیت های درسی

مهارت برقراری انضباط در کلاس  
  
یکی از متداولترین مسائلی که معلمان با آن رو به رو هستند، مسئله کلاسداری و اصلاح رفتاری شاگردان است.  
 عواملی که موجب این مشکلات و برهم زدن نظم کلاس می شود به دو دسته کلی تقسیم می شود:  
 عواملی که ناشی از مشکلات عاطفی و رفتاری شاگردان است که شامل: رفتارهایی که موجب تولید صدا می شوند،‌ رفتارهای تهاجمی، رفتارهای کلامی نابجا، بی اعتنایی به سؤال یا دستور معلم و . . .  
عوامل ناشی از رفتار معلم که شامل: اجرای مقررات خشک و افراطی، توجه به عده ای خاص از شاگردان، ‌تهدید به کم نمره دادن،‌ بد اخلاقی و ...

مهارت های پس از تدریس :

برای اینکه فهمیده شود که آیا شاگردان، با کسب تجارب و انجام دادن فعالیت های تعیین شده، به هدف های آموزشی رسیده اند یا نه، ‌ارزشیابی مستمر از فرایند تدریس، امری ضروری است.

‌ ارزشیابی، اگر به صورت صحیح اجرا شود، می تواند اهداف زیر را عملی سازد :

1)، باعث شناساندن هدف های آموزشی در فرایند آموزشی می شود. 2) ما را برای بهبود و اصلاح فعالیت های آموزشی یاری می دهد. 3) به عنوان وسیله ای برای شناخت نارسایی های آموزشی شاگردان و ترمیم آنها است. 4)، برای ایجاد رغبت و کسب عادات صحیح آموزش در شاگردان به کار می رود. 5) به عنوان عاملی برای ارتقای شاگردان مطرح می شود .

نحوه ارزشیابی باید بر اساس نوع هدف، ‌شرایط و فعالیت های انجام شده تعیین شود. ارزشیابی باید ملاک رسیدن یا نرسیدن به هدف های آموزشی باشد.

ارزشیابی از دیدگاه های مختلف، دارای تقسیمات مختلفی می باشد:

ارزشیابی برحسب زمان اجرای آن،‌ نحوه اجرای آن و روش اجرای آن

ارزشیابی برحسب زمان : منظور از این تقسیم این است که، ارزشیابی و امتحانی که از شاگرد به عمل می آید، بر حسب زمان اجرای آن، باید دارای چه خصوصیاتی باشد. ارزشیابی بر حسب زمان و هدف های آن، به سه دسته ارزشیابی تشخیصی، ‌ارزشیابی تکوینی و ارزشیابی پایانی تقسیم می شود.

ارزشیابی برحسب نحوه اجرا

ارزشیابی را می توان از نظر نحوه اجرا، به دو دسته کلی تقسیم کرد : ارزشیابی انفرادی و ارزشیابی گروهی.

ارزشیابی انفرادی به ارزشیابی اطلاق می شود که در آن، آزمایش کننده و آزمایش شونده رو در روی هم قرار می گیرند؛ اما در ارزشیابی گروهی آزمایش کننده، موقعیت یکسانی را برای ارزشیابی گروه فراهم می کند و پس از راهنمایی مقدماتی، ورقه های آزمون را در اختیار آنان قرار می دهد.

ارزشیابی بر حسب روش اجرای آن

روش های ارزشیابی متعددند؛ اما دو شیوه ای که در مراکز آموزشی امروز، بیشتر رواج دارد، روش کتبی و روش شفاهی می باشد.

هر کدام از این روش ها، مزایایی نسبت به دیگری دارند؛ اما روش شفاهی نسبت به روش کتبی محدودیت هایی دارد، که از آْن جمله می توان به این موارد اشاره کرد :

الف) شاگردان، ممکن است به علت نقص بیان از گفتن آنچه می دانند، واهمه داشته باشند.

ب) ارزشیابی شفاهی، مستلزم صرف وقت بسیار و در نتیجه خسته کننده است.

ج) مشاهده و ثبت همه پاسخ ها، در حین پاسخ دادن بسیار دشوار است.

د) در مقایسه از نظر عینیت و اعتبار، ارزشیابی شفاهی نسبت به ارزشیابی های کتبی که شامل نوعی اثر دائم در رفتار آزمایش شونده می شود، ‌مزایای کمتری دارد

مطالب آقای انداده - دستورانی : نظریه های یادگیری :

ثرندايك:

پژوهش ثرندایک با مطالعه ی تله پاتی ذهنی در کودکان شروع شد . قانون اثر ثرندایک در و قانون  تقویت پاولف که مشابه آن است در تدوین شدند، هرچند که  چندین سال بعد، تشابه بین آنها شناخته شد. ثرندایک بنیانگذار شرطی‌سازی وسیله‌ای بود. گربه را در قفس قرار داد گربه پس از مقداری کوشش و خطا یاد گرفت که با کشیدن نخ می‌تواند به غذا برسد. (سیف،1384) شرطی‌سازی وسیله‌ای : پس از اینکه جاندار رفتار خاصی را انجام داد، یک محرک مطلوب به او ارائه می‌شود و این امر باعث افزایش احتمال آن رفتار می‌شود. (سیف،1384) آنچه از نظریه ی ثرندایک به بحث ما مربوط می شود بر می گردد به یک قانون ثرندایک یعنی قانون اثر.

قوانين يادگيري ثرندايك تا قبل از سال 1930:

الف-مفاهيم اصلي

1- قانون آمادگي: شخص بايد آماده انجام عمل باشد. 2- قانون تمرين : پيوند بين محرك و پاسخ با تمرين نيرومند مي شود.

3- قانون اثر : پيوند بين محرك . پاسخ در نتيجه پاداش نيرومند مي گردد.

قوانين يادگيري ثرندايك پس از سال 1930:

1- قانون تمرين تجديد نظر شده : بعد از سال 1930 بطور كلي قانون تمرين رد شده است. 2- قانون اثر تجديد نظر شده : فقط وضع خشنود كننده باعث يادگيري مي شود بنابراين تنبيه هيچ اثري در يادگيري ندارد.

* اثر گذاری ثرندایک در آموزش و پرورش

- 1- در نظر گرفتن موقعيت يادگيري 2- در نظر گرفتن پاسخ مورد نظر جهت پيوند با موقعيت 3- پيوند را خود تشكيل دهيد 4- پيوندهاي بي مورد ايجاد نكنيد 5- در صورت كفايت يك پيوند ، پيوند ديگري ايجاد نكنيد 6- پيوندها بايد بعمل بينجامد 7- موقعيت ها بايد در ارتباط با مسايل زندگي باشد .

مهمترين انديشه هاي ثرندايك:

1- يادگيري در نتيجه پيوند بين محرك (S) و پاسخ (R) بوجود مي آيد به همين دليل به نظريه ثرندايك نظريه پيوندگرايي گويند. 2- يادگيري در نتيجه تداعي گرايي بوجود مي آيد. 3- نظريه ثرندايك رويكرد آزمايشي دارد. 4- يادگيري به صورت كوشش و خطا صورت مي گيرد. 5- يادگيري مبتني بر هيچ نوع تفكر و استدلالي نيست .

نظریه ی اسکینر

نظریه ی اسکینر به نظریه ی ثرندایک بعد از 1930 شبیه است. .(هرگنهان و السون،2005،ص100)

  اصول شرطی سازی کنشگر : طبق نظر اسکینر رفتار بوسیله ی پیامد هایش(تقویت و تنبیه) کنترل می شود(حسن شعبانی،1380)در واقع پیامد های رفتار است که موجب تاثیر،تغییر و تثبیت آن میشود .

تقویت : محرکی که تکرار و شدت رفتار را افزایش می دهد و موجب تثبیت آن می شود .(سیف،1384)

روشهای ایجاد تغییر در رفتار با استفاده از نظریه شرطی شدن فعال :

1 ) روشهای افزایش رفتار موجود 1-1) تقویت مثبت وارد کردن یک محرک خوشایند به محیط جهت افزایش رفتار و محیط (حسن شعبانی1380) 2-1) تعمیم گسترش پاسخ از محرک های اولیه به محرک های مشابه(حسن شعبانی1380)

3-1)تقویت منفی :خارج کردن یک محرک ازموقعیت بن منظور افزایش رفتار مطلوب.(سیف،1384)

تفاوت تقویت مثبت و منفی در اینست که در تقویت مثبت پس از انجام رفتار مطلوب محرک مطلوبی ارائه می‌شود، اما در تقویت منفی پس از انجام رفتار مطلوب، محرک نامطلوب یا منفی حذف می‌شود.(سیف،1384)  تشابه تقویت مثبت و منفی در اینست که هر دو موجب افزایش رفتار می‌شود. .(سیف،1384) .

2)روش ایجاد رفتار تازه

1-2) یادگیری از طریق تقلید و سرمشق گرفتن( مانند زبان آموزی کودکان)= 2-2) تفکیک پاسخ- 3-2) شکل دادن : در این روش به جای اینکه در انتظار وقوع پاسخ باشیم آن را در حیوان شکل می دهیم.(هرگنهان و السون ،2005)=  1-3-2)تقویت تفکیکی: دراین نوع تقویت بعضی پاسخ ها تقویت می شوند و بعضی تقویت نمی شوند. .(هرگنهان و السون ،2005)

 2-3-2)تقریب های متوالی:یعنی تنها آن پاسخ هایی که یکی بعد از دیگری به پاسخ مورد نظر

 آزمایشگر نزدیک اند تقویت میشوند. .(هرگنهان و السون ،2005)

  3) روشهای نگهداری رفتار مطلوب

 1-3) تقویت متناوب :در این برنامه هر پاسخ درست آزمودنی در ضمن یادگیری تقویت میشود. 1-1-3) نسبی ثابت :زمانی اتفاق می افتد که تمام nامین پاسخ هایی که حیوان  می دهد تقویت شوند برای مثال پس از هر5 امین پاسخ تقویت شود.(هرگنهان و السون ،2005)

2-1-3) نسبی متغیر :در این نوع تقویت حیوان ممکن است گاه  پس از هر 5 پاسخ تقویت شود و

گاهی پس از هر 2 پاسخ (کلا" مشخص نیست) .(هرگنهان و السون ،2005) 2-3) تقویت فاصله ای – پس از مدت زمان مشخص رفتار تقویت می شود.(هرگنهان و السون ،2005) -1-2-3) فاصله ای ثابت :در این برنامه حیوان تنها پس از سپری شدن یک مدت زمان معین تقویت میشود. .(هرگنهان و السون ،2005=) 2-2-3) فاصله ای متغیر (مدت زمان مشخص نیست ) .(هرگنهان و السون ،2005)=  4) روشهای تقلیل دادن یا محو کردن رفتار نامطلوب =1-4) تقویت رفتارهای مغایر

   رفتار مطلوب مغایر با رفتار نامطلوب تقویت می شود .(هرگنهان و السون ،2005) =2-4) سیری یا اشباع تقویت رفتار نامطلوب برای مدت طولانی جهت کاهش نیرومندی آن .(هرگنهان و السون ،2005)

*انواع تقویت‌کننده::* تقویت‌کننده‌هایی که ذاتاً خاصیت تقویتی دارند که دو نوعند:

 مثبت: نیازهای جسمانی موجود را برآورده می‌کنند مثل غذا.

منفی: ذاتاً آزاردهنده هستند مثل سر و صدای شدید. (سیف،1384)

*. تقویت‌کننده‌های شرطی:*  ذاتاً خاصیت تقویتی ندارند بلکه به دلیل همراه شدن با تقویت‌کننده‌های اولیه خاصیت تقویت‌کنندگی بدست می‌آورند. مثل پول، مدرک. . (سیف،1384)

*خاموشی رفتار کنشگر*

 اگر رفتاری را که با تقویت شرطی شده، مدتی تقویت نکنیم بتدریج متوقف می‌شود. مثلاً اگر به کودکی که برای بدست آوردن خواسته‌هایش گریه می‌کند توجه نکنیم پس از مدتی رفتار نامطلوب وی خاموش می‌شود(سیف،1384) .

آلبرت بندورا :

نظریه بندورا ، یادگیری اجتماعی-شناختی است که یادگیری مشاهده‌ای و نظریه سرمشق‌گیری هم نامیده شده است،[[1]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=44727)كه با توجه به كاربرد فراوان تبیین‌های مورد نیاز در حوزه مسائل روان‌شناسی اجتماعی، این علم نوپا از نظریه ایشان استفاده‌های فراوانی كرده است. بنا به این نظریه، یادگیری از راه مشاهده و ‌تقلیدو الگوبرداری انجام می‌شود و به عامل تقویتی نیازی ندارد.

تشریح نظریه یادگیری بندورا :

به عقیده بندورا، یادگیرنده باید‌ علاوه‌بر توجه و علاقه،‌ توانایی تقلید و الگوبرداری را دارا باشد.یادگیری اجتماعی، بنا بر مشاهده و تقلید، به طور ناخودآگاه در بسیاری از افراد به صورت مثبت و منفی انجام می‌گیرد و پیامدهای ثمربخش،‌ یا زیان‌بار خود را به دنبال خواهد داشت بنابراین برای تبیین این نظریه باید مفاهیمی چون تقلید، الگوبرداری و مشاهده را شرح دهیم؛ اما قبلاً باید انتقادات ایشان بر نظریه‌های كلاسیك را ملاحظه كنیم تا بستر نظریات ایشان فراهم شود.

بندورا یادگیری مشاهده‌ای را شامل چهار فرایند اصلی می‌داند:

1.توجه؛ اولین فرایند لازم برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای توجه است.برای بازتولید اعمال الگو باید به حرف‌ها و اعمال وی توجه کنید. 2.یادداری؛ یادداری دومین فرایند ضروری برای وقوع یادگیری مشاهده‌ای است.شما برای بازتولید اعمال الگو باید اطلاعات را رمزگذاری کنید و در حافظه نگه دارید تا قابل بازیابی شوند. 3.بازتولید حرکتی؛ تولید به تقلید کردن اعمال الگو اطلاق می‌شود.آدم‌ها گاهی به الگو توجه می‌کنند و دیده‌های خود را در حافظه رمزگردانی می‌کنند، ولی محدودیت‌های حرکتی آنان،‌ جلوی بازتولید عمل الگو از سوی آنان را می‌گیرد. تقلید، تلویحاً به معنی محدودپاسخ طوطی‌وار است و نقطه مقابل آن همانندسازی است که به معنی یکی‌سازی همه الگوهای رفتاری با سرمشق است. الگوگیری، وسیع‌تر از تقلید و محدودتر از همانندسازی است . 4.  تقویت؛ تقویت یا مشوق آخرین مولفه یادگیری مشاهده‌ای است.خیلی پیش می‌آید که به حرف‌ها و اعمال الگو توجه می‌کنیم، اطلاعات را در حافظه نگاه می‌داریم و ظرفیت‌های حرکتی لازم برای عمل کردن را داریم، ‌ولی به دلیل ناکافی بودن تقویت، رفتار مورد نظر را تکرار نمی‌کنیم.بندورا در مطالعاتش، اهمیت این مرحله را نشان داده است.کودکی که شاهد تنبیه شدن الگو بابت پرخاشگریش بوده،‌ فقط در ازای تشویق شدن الگو پرخاشگری الگو را بازتولید می‌کند

عوامل مؤثر بر سرمشق‌گیری

اگرچه یادگیری مشاهده‌ای در نخستین نگاه،‌ فرایند ساده‌ای به نظر می‌رسد، ولی در واقع این‌طور نیست.همه مشاهده‌گران،‌ الگوهای رفتاری سرمشق را کسب نمی‌کنند.به نظر می‌رسد که خصوصیات سرمشق (یعنی وجهه و اعتبار وی)و ویژگی‌های مشاهده‌گر (یعنی وابستگی وی به دیگران) در این امر مؤثر است.بنابراین، ‌اگرچه یادگیری مشاهده‌ای ممکن است فرایند قدرتمندی باشد، ‌نباید تصور شود که به‌طور خودکار اتفاق می‌افتد و یا اینکه یادگیرنده موظف است عیناً از دیگران سرمشق بگیرد.[[13]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=44727)

بندورا و همكاران وی معتقدند سه عامل زیر می‌تواند بر سرمشق‌گیری تأثیر بگذارد:[[14]](http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=44727)

1)   ویژگی‌های الگوها؛ ویژگی‌های الگوها بر گرایش ما به تقلید كردن از آن‌ها تأثیر می‌گذارند. این ویژگی‌های اثرگذار عبارت‌اند از:

.    شباهت الگو و مشاهده‌گر: در زندگی عملی، بیشتر تحت تأثیر كسی قرار می‌گیریم كه به نظر می‌رسد شبیه ماست تا كسی كه با ما تفاوت زیادی دارد.

.  سن و جنسیت: ما از رفتار كسی كه هم‌جنس ماست بیشتر از كسی كه از جنس مخالف است سرمشق‌ می‌گیریم.در ضمن، به احتمال بیشتری تحت تأثیر الگوهای هم‌سن قرار می‌گیریم.

مقام و شهرت: معلوم شده است كه وقتی عابران پیاده ببینند كه فرد خوش‌لباسی هنگام روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شود در مقایسه با زمانی كه ببینند فرد بدلباسی این كار را انجام می‌دهد، به احتمال بیشتری آن‌ها نیز با روشن بودن چراغ قرمز از خیابان رد می‌شوند.

2) ویژگی‌های مشاهده‌گرها؛ اثربخشی یادگیری مشاهده‌ای را تعیین می‌كنند.افرادی كه اعتماد به نفس پایینی دارند از افردای كه اعتماد بالایی دارند به احتمال خیلی بیشتر از رفتار الگو تقلید می‌كنند.

3)   پیامدهای پاداش مرتبط با رفتارها؛ پیامدهای پاداش مرتبط با رفتاری خاص می‌توانند بر میزان سرمشق‌گیری تأثیر بگذارند و حتی تأثیر ویژگی‌های الگوها و مشاهده‌گرها را تحت‌الشعاع قرار دهند.الگویی كه مقام بالایی دارد ممكن است باعث شود از رفتار خاصی تقلید كنیم ولی اگر پاداش‌ها برای ما معنی‌دار نباشند، آن‌ رفتار را ادامه نخواهیم داد.

آزوبل

معنی دار بودن یادگیری   
آزوبل معتقد است زمانی یادگیری به صورت معنی دار اتفاق می افتد که مفهوم مورد یادگیری بتواند با مفاهیمی که از قبل در ساخت شناختی یادگیرنده وجود دارد ارتباط برقرار نماید. یعنی مطالب جدید بتواند در هرم ساخت شناختی فرد جایی داشته باشد. اما اگر یادگیری به صورت حفظ و بر اثر تمرین و تکرار باشد، بدون این که با مطالب از قبل آموخته شده ارتباط پیدا کند، یادگیری فرد جنبه طوطی وار دارد. در این صورت مطلب مورد یادگیری در هیچ کجای سلسله مراتب ساخت شناختی فرد جا نمی گیرد. مثل یادگیری هجاهای بی معنی که طوطی وار حفظ می شود. بنابراین، تجربه های قبلی فرد تعیین می کند که یادگیری برای دانش آموز معنی دار است یا خیر

برای یادگیری معنی دار، مطالب باید جذب ساخت شناختی یادگیرنده شود. آزوبل این جذب شدن مطالب در ساخت شناختی فرد را شمول می نامد. در فرآیند شمول مفاهیم تازه به مفاهیمی که از پیش در ساخت شناختی فرد وجود داشته است مربوط می شود و این فرآیند باعث ایجاد تغییر در هر دو مفهوم جدید و قدیم می شود و به هر دوی آنها معنی بیشتری می بخشد. اصطلاح مشمول کننده آزوبل به معنی مفهوم کلی یا اندیشه کلی است.

نظریه یادگیری گشتالت

بنیانگذار روانشناسی گشتالت (Geshtalt  psychology)    دانشمند آلمانی ماکس ورتهایمر (Werherimer)    است که در سال 1912   نتیجه آزمایش های خود را به نام پدیده فای (phi-phenomenon) منتشر ساخت.  و همزمان با فعالیت های رفتار گرایان در آغاز قرن  بیستم میلادی روانشناسی گشتالت را پایه گذاری کرد. (روانشناسی یادگیری - محمد پارسا)

تعریف مفهوم گشتالت

منظور از گشتالت که یک اصطلح ‌آلمانی است ، شکل ، انگاره یا طرح ست. اما این اصطلاح برای گشتالتی ها بیش از این معنا می دهد .  معنی گشتالت در روانشناسی گشتات آن است که کل از اجزای تشکیل دهنده آن بیشتر است . یعنی کل دارای خواص یا ویژگی هایی است که در اجزای تشکیل دهنده آن  یافت نمی شود.  و از خیلی جهات کل تعیین کننده خصوصیات اجزاء است ، نه برعکس. (روانشناسی  پرورشی نوین - علی اکبر سیف) در واقع آنچه در روانشناسی گشتالت اهمیت دارد پی بردن به احساس ادراک  ارتباط است که موجب رفتار معنادار می شود .نمونه پدیده های گشتالتی را در فیزیک وروانشناسی ، در مثال های زیر می توان یافت و گرداب نمونه ای از گشتالت است . قطره های آبی که گرداب  از آنها تشکیل می شود به تنهای معرف گرداب نیستند ، بلکه نوع حرکت آب در گرداب معرف گرداب است.

یادگیری در روانشناسی گشتالت  به صورت هیأت کل مطرح می شود ، نه  از ترکیب یا تحلیل اجزا .  و یادگیری عبارت از وقوع  تغییراتی است که در پاسخ به الگوها یا هیأت های کل با معنا داده می شود (روانشناسی یادگیری - محمد پارسا)

با توجه به تعریف  یادگری در نظریه گشتالت نمی توان تعلیم و تربیت را منحصر به سه عنصر معلم ، دانش آموز و محتوا نمود. بر این اساس بینش یا ادراکی که حاصل درک  رابطه این اجزاست حاصل شده و شراط یادگیری را فراهم می سازد.

کاربردهای آموزشی  نظریه گشتالت :

بهترین کاربرد این نظریه  در آموزش ، استفاده از آن جهت جایگزین کردن فهم و بینش به جای حفظ طوطی وار اطلاعات،  شناخت اجزای مسئله و توانایی حل مسئله می باشد. نظریه گشتالت در کل و به طور خلاصه می گوید : کل چیزی بیش از اجزای آن است. و این اصل است که در تمام پژوهش ها ،  آزمایش ها و قانون های تعریف شده توسط صاحبنظران مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است.

پدیده ی فای :

آزمایش بدین ترتیب بود که ورتایمر ابتدا دو نقطه ی نورانی را به طور پی در پی و در یک فاصله و با شرایط مشخص از هم، به نقاط الف و ب فرا می تاباند؛ یعنی شدت نور، فاصله ی زمانی بین روشن و خاموش شدن نقاط و فاصله ی مکانی بین آنها تنظیم می شود و زمانی می رسد که دیگر فرد در پرده ی مقابل، دو نقطه ی نورانی نمی بیند، بلکه خطی را می بیند که در طول پرده در حرکت است. آنچه در پرده ی سینما می گذرد، در واقع، توهمی است که وضعیت آن به آزمایش فوق شبیه است.در چنین آزمایشهایی، یک زمان بهین (30) برای وضعیتهای مشاهده ی حرکت وجود دارد که در آن زمان، فرد بروشنی تنها حرکت را می بیند؛ بدون آنکه رنگ یا شکل آن را ادراک کند. این یک پدیده ی حرکت محض است که ورتایمر آن را حرکت پدیداری یا پدیده ی فای می نامد.

مطالب آقای حسن زاده : نظریه های رشد شناختی

*رشد*:منظور از رشد یا تحول تغییرات منظم و سازگارانه‌ای است که از لحظه بستن نطفه تا هنگام مرگ در فرد اتفاق می‌افتد.

رشد انسان را می‌توان از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داد:

رشد جسمانی -رشد شخصیت -رشد اجتماعی- رشد شناختی -

*شناخت*:به معنای دانستن٬ یادگرفتن٬ به یاد آوردن٬ فهمیدن٬ اندیشیدن

رشد شناختی: به تغییرات منظمی گفته می‌شود که در طول زمان در این فرایند‌ها رخ می‌دهد.

*نظریه رشد شناختی پیاژه*  
منشا و چگونگی تکامل دانش در کودکان را مورد مطالعه قرار داد.فرض پیاژه این بود که اگر بتواند بفهمد که چگونه دانش در نزد. کودکان ساخته می‌شود انگاه خواهد فهمید دانش چیست.

*مفاهیم نظریه رشد شناختی پیاژه :*

*تعادل یابی*:تعادل یک حالت توازن شناختی بین درک ما از جهان هستی و تجربه‌هایمان

طرحواره:ما برای تعادل یابی٬تجربه‌هایمان را در الگوهای منسجمی سازمان می‌دهیم که پیاژه به آنها طرحواره می‌گوید.

زندگی تعامل بی‌وقفه بین فرد و محیط زندگی که به دو صورت انجام می‌گیرد:

درونی)سازگاری( :به فرایند دمساز کردن طرحواره‌ها و تجربه‌ها با یکدیگر به منظور ایجاد تعادل سازگاری می‌گویند که به دو صورت انجام می‌شود:

جذب:در. موقعیتی جدید رفتاری را انجام دهد که در موقعیتهای گذشته انجام می‌داده است.

انطباق:رفتار خود را مطابق با خواسته محیط تغییر دهد.

*بیرونی)سازمان( :* یک تمایل فطری است که سبب می‌شود ساختها و تجارب پراکنده خود را در هم ادغام کنند و ساختهای سطح بالاتری را بوجود آورند.

*ساخت شناختی*

ساخت به معنای ساختمان ذهن یا اندیشه‌های فرد.

انسان رشد شناختی را در طول زندگی خود در دوره‌های مختلف طی می‌کند که هر دوره از نظر ساخت شناختی با دوره‌های دیگر متفاوت است.دوران کودکی غالبا طرحواره‌ها شکل می‌گیرد.دوره‌های بالاتر عملیات ذهنی می‌شود.

بنابراین جریان رشد شناختی از طرحواره‌های بازتابی آغاز می‌شود و به طرحواره‌های حسی\_حرکتی می‌رسد و سرانجام به ساخت شناختی می‌انجامد. از اجتماع طرحواره‌ها مختلف ساخت شناختی ایجاد می‌شود.

*هوش:*هوش به عنوان صورتی از تعادل یابی است که تمام ساخت‌های شناختی یه سوی آن هدایت می‌شود.

*محتوا*:به جنبه‌های قابل مشاهده هوش یعنی پاسخ‌های فرد در برخور با محرکها

*تفکر*:تفکر مستلزم زبان آموزی است و از این رو کودکان پیش از یادگیری زبان دارای تفکر نیستند .تفکر مستلزم درونی ساختن امور است

*مراحل رشد شناختی*

*مرحله حسی\_حرکتی)۰تا۲سالگی:(*

* کودکان در مرحله از توانایی استفاده از حواس واعمال خود برای درک جهان پیرامون استفاده می‌کنند.
* طرحواره‌های کودکان در این مرحله بر اساس تعامل فیزیکی بین آنها و محیطشان شکل می‌گیرد و جنبه عینی و آشکار دارند.

*مرحله پیش عملیاتی(۲تا۷ سالگی)*

* توانایی تفکر منطقی و عملیاتی ندارند.
* اندیشیدن در قالب نمادها(زبان و تخیلات) است.که استفاده از این نماد‌ها را کارکرد نشانه شناختی می‌نامند.
* خودمحورند یعنی آنان بر تصورات شخصی خود تکیه می‌کنند ونمی‌توانند خود را در موقعیت دیگران قرار دهند و دیدگاه آنان را درک کنند.
* جاندارانگاری اشیا و امور
* به مفهوم بقا یا نگهداری نرسیده‌اند

*مفهوم بقا یا نگهداری :* ایجاد تغییر در شکل ظاهری یا وضع مکانی یک شی اگر چیزی به آن اضافه یا کم شود در مقدار واقعی آن تغییر ایجاد نمی‌شود. زبان کمک زیادی به رشد شناختی کودک می‌کند تا پدیده‌ها و امور مختلف را به طور نمادی مورد بررسی قرار دهند.

مفاهیم بقا گوناگون‌اند:

مفهوم بقا عدد(۶تا۷سالگی) مفهوم بقا طول(۶تا۷سالگی) مفهوم بقا ماده(۷تا۸سالگی) مفهوم بقا سطح(۹تا۱۰سالگی) مفهوم بقا مایع(۶تا۷سالگی) .

*مرحله عملیات عینی یا محسوس(۷تا۱۱سالگی)*

* انجام اعمال منطقی با امور عینی و واقعی --کودکان در مرحله می‌توانند اعمال را پیش بینی کنند--درک مفهوم بقا یا نگهداری ذهنی

سایر ویژگی‌های شناختی کودک در مرحله عملیات عینی:

*طبقه بندی:* یعتی دسته بندی کردن اشیا در گروه‌ها یا طبقات مختلف براساس ویژگی‌های مشترک

*بازگشت پذیری*:توانایی عقب برگرداندن مراحل انجام یک رشته عمل به طور ذهنی و رسیدن به نقطه آغاز

*ردیف کردن*:قرار دادن اشیا وامور پشت سر هم بر حسب یکی از ویژکی‌های آنان

*این همانی*:تغییرات ظاهری اشیا در مقدار پاقعی انها تغییری ایجاد نمی‌کند

*جبران*:تغییر شکل اشیا یک مورد٬مورد دیگر را جبران می‌کند

*عدم تمرکز*:در برخورد با مسائل صرفا بر یک جنبه آشکار امور تاکید می‌کند و به جنبه‌های دیگر توجه نمی‌کند.

*مرحله عملیات صوری یا انتزاعی(۱۱تا۱۵سالگی)*

* تفکر به صورت انتزاعی است
* تفکر به روش. فرضیه‌ای و قیاصی است(یعنی می‌توانند به طرح فرضیه بپردازند و بدون نیاز به مراجعه به اشیای محسوس به وارسی فرضیه خود اقدام کنند)

خود محوری(تصور منحصر به فرد بودن\_مورد توجه قرار گرفتن\_انگشت نما بودن)

نظریه رشد شناختی ویگوتسکی(نظریه اجتماعی\_فرهنگی رشد)

ویگوتسکی جنبه‌های فرهنگی ٬تاریخی و اجتماعی را در رشد شناختی بسیار با اهمیت می‌داند.

به باور او کنش متقابل میان یادگیرنده و محیط اجتماعی‌اش تعیین کننده اصلی رشد شناختی اوست.

خاستگاه روان آدمی اجتماع است و فرایندی که به آن شکل میدهد ارتباط است.دانشها ٬نگرشها ٬ارزشهای فر در تعامل با دیگران تحول می‌یابد.

در نظریه ویگوتسکی کارکردهای ذهنی به دو دسته تقسیم می‌شود:

1-کارکردهای نخستین ذهنی 2-کارکردهای عالی ذهنی

*کارکرد:*فرایندهای ذهنی مانند توجه٬ادراک٬حافظه و تفکر اشاره می‌کند.این کارکردها در سالهای آغاز عمر به طور طبیعی و غیر ارادی است .کارکردهای عالی ویژه انسان اند و براساس کارکردهای نخستین تحول می‌یابند.با اراده انسان انجام می‌شود و دارای خاستگا اجتماعی است و به کمک ابزارهای روانشناختی رخ می‌دهد.

نکته:آنچه به شکل گیری کارکردهای عالی ذهنی کمک می‌کند عوامل اجتماعی و فرهنگی است.

*درونی سازی*:فرایند تبدیل تدریجی تجارب یا فعالیتهای اجتماعی بیرونی به فرایندهای عالی ذهنی درونی سازی نام گرفته است. این فرایند به طور مستقیم بلکه از طریق یک واسطه امکان پذیر است.

* ابزار:یک شی بیرونی که توسط فرد مورد دستکاری قرار می‌گیرد.
* علامت:چیزی است که به جای چیز دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ویگوتسکی برای رشد زبان سه مرحله متمایز را مطرح می‌کند:

*گفتار اجتماعی*:کنترل رفتار دیگران(پیش از ۳سالگی) --*گفتار خودمحورانه*:برای کننرل رفتارشان با خود حرف می‌زنند(۳تا۷سالگی) --*گفتار درونی*:با خود سخن گفتن به طور بی‌صداست.گفتار درونی به اندیشه‌ها و رفتار انسان جهت می‌دهد.(هفت سالگی به بعد)

*تفکر و زبان*

در ابتدا تفکر بدون زبان(دستیابی به اشیا)و گفتار بدون تفکر است(غان و غون کردن بچه‌ها برای جلب توجه دیگران)

در دو سالگی تفکر زبانی و گفتار با تفکر صورت می‌گیرد(زبان و تفکر به طور کامل در هم نمی‌آمیزند و همواره نوعی استقلال در بین آنها وجود دارد.) در فاصله دو تا هفت سالگی زبان هم نقش درونی یعنی هدایت و جهت دهی و هم نقش بیرونی یعنی انتقال نتایج تفکر به دیگران را ایفا می‌کند.بعد از هفت سالگی کودک می‌آموزد که استفاده از زبان را در موقعیتهای ارتباط با دیگران محدود نکند (گفتار درونی\_سخن گفتن با خود) .

*خود نظم دهی (مراحل سامان دهی)*

منظور از خود نظم دهی توانایی اندیشیدن و حل کردن مسائل بدون کمک دیگران

توانایی خود نظم دهی شامل چند مرحله است:

کودک یاد می‌گیرد اعمال و صداها دارای معنی‌اند -انجام تمرین - استفاده از علامت برای تفکر و حل مساله .

- هدف رشد یا تحول این است که فرد از کنترل بیرونی خارج شده و از دیگر سامان دهی به خود سامان دهی تغییر کند.

نکته :زبان هم وسیله‌ای برای تعامل اجتماعی است و هم وسیله تفکر و خود نظم دهی است.

مطالب آقای دلقندی : سبک های یادگیری

سبک یادگیری چیست؟

نتايج مطالعات نشان مي دهد افراد در چگونگي گرايش به يك تكليف متفاوتند و اين تفاوتها صرفاً ناشي از هوش و يا قابليت هاي اجتماعي نيست. « اين سبكها روشهاي ترميمي براي پردازش و سازماندهي اطلاعات و پاسخ دهي به محركهاي محيطي است.»

سبكهاي يادگيري داراي سه زمينه بسيار مهم هستند كه عبارتست از :

1-  سبكهاي يادگيري فيزيولوژيك 2- سبكهاي عاطفي 3- سبكهاي شناختي .

1-سبكهاي يادگيري فيزيولوژيك :اين سبكها بيشتر به چگونگي واكنش يادگيرنده به محيط فيزيكي اش مي پردازند : به اين معنا كه فرد در هنگام يادگيري در مقابل اثرات محيط تاثير پذير است؛ بعضي دوست دارند در خلوت و برخي عادت دارند با صداي موزيك مطالعه كنند. حتي پر نور و يا كم نور بودن محيط بر يادگيري فرد اثر مي گذارد .

2- سبک های عاطفی : ويژگي هاي شخصيت فرد و چگونگي برخورد او با جريان يادگيري، محتواي اين سبك را تشكيل مي دهد يعني اين كه بدانيم يك فرد با چه ويژگي و چه نوع هيجاني به يادگيري مي پردازد. مثلاً ، گروهي از يادگيرندگان در يادگيري سماجت مي كنند و با پشتكار فراوان تا مطلبي را ياد نگيرند آرام نمي نشينند، ليكن گروه ديگر دوست دارند با همكلاسي هاي خود و با تشويق آنها به مطالعه  و يادگيري بپردازند و به عبارت ديگر اين گروه در جمع بهتر ياد ميگيرند .

3- سبک شناختی : 1-سبكهاي شناختي وابسته به زمينه و مستقل از زمينه

در مورد اين سبك و سبك تكانشي ـ تاملي به طور مفصل تر از بقيه بحث خواهد شد. قضاوت های شخصی یادگیرندگان موضوع یادگیری قرار گرفته. کلی نگر و تحلیلی نگر: کلی نگر نمی تواند محرک را از زمینه جدا کند.

2-سبك شناختي تكانشي در مقابل تاملي

در اين سبك، سرعت ادراك مورد نظر است كساني كه داراي سبك شناختي تكانشي هستند بيشتر به سرعت پاسخ توجه دارند. در اين سبك، سرعت ادراك مورد نظر است و شايد همين طرز تفكر اين گونه افراد سبب شده است كه آنها اشتباهات بيشتري را مرتكب مي شوند. در حالي كه، افرادي با سبك شناختي تاملي با دقت و حوصله بيشتر به كار مي پردازند و چنانچه تكليفي از آنها خواسته شود با تاخير و تامل آن را انجام مي دهند و شايد بتوان گفت در انجام امور و حل مشكلات به تحليل مي پردازند و ضمن تامل، راه حلهاي مختلف را پيش بيني مي كنند و با انتخاب بهترين راه‌آن را انجام مي دهند .

3- واگرايي در مقابل همگرايي

افراد اين سبك در دو قطب كاملاً متضاد هستند. افراد همگرا به منابع منطقي و درست و کیفیت، در مقابل افراد واگرا به تنوع و كميت پاسخ ها توجه دارند. دو قطب اين سبك در مقابل يكديگر قرار گرفته اند به اين تربيت كه همگرايان تفكري در جهت علوم و واگرايان تفكري در جهت هنر دارند.

4-جذب كننده در برابر انطباق يابنده

دانش آموزاني كه داراي سبك يادگيري جذب كننده هستند نوعي توانائي در جذب و تركيب اطلاعات به صورت منطقي دارند و به مفاهيم انتزاعي علاقه بيشتري نشان مي دهند تا مفاهيم اجتماعي . در مقابل دانش اموزان انطباق يابنده داراي نوعي نگرش آزمايشگري و تجارب مستقيم هستند.

سبک های یادگیری کلب

کلب سبک های یادگیری را در چهار سبک واگرا،همگرا،جذب کننده،و انطباق دهنده،در قالب چهار دسته عوامل متفاوت زیر تقسیم بندی نموده است:

توانایی تجربی عینی: یادگیرنده بیشتر بر احساس و توانائیهای خود متکی است.

توانایی مشاهده انعکاسی: یادگیرنده موقعیت ها و اندیشه های را از زوایای مختلف درک می کند.

توانایی مفهوم سازی انتزاعی:یادگیرنده از منطق و اندیشه ی بیشتری استفاده می کند.

توانایی آزمایش نمودن فعال: یادگیرنده از راه انجام دادن کارها به یادگیری دست می یابد.

     مطالب آقای یحیی زاده : اهداف :

تعریف هدف : در ادب فارسي كلماتي كه مترادف با ((هدف)) به كار رفته اند بدين قرار معني شده اند:

هدف: نشانه، غرض ،آماج: نشانه ،غايت: پايان، نهايت، مقصود

زمان نيل به هدف هاي مختلف آموزش و پرورش متفاوت است.

برخی اهداف : ک.تاه مدت - میان مدت - بلند مدت هستند

\* كوتاه مدت و يا ميان مدت بودن زمان تحقق يك هدف،بستگي به طول زماني دارد كه براي هدف دراز مدت در نظر مي‌گيريم.

برخي از هدف هاي آموزش و پرورش براي تمام افراد و در سطوح مختلف تحصيلي مشترك است. مانند آموزش تربيت بدني كه از دوره پيش دبستاني تا سطوح عالي دنبال مي‌شود.

اما برخي از اهداف فقط به دوره و يا افراد خاصي مربوط مي‌شود و جنبه اختصاصي دارد. مانند دانش و مهارت كشاورزي به افراد شاغل در اين رشته.

هدف هاي آموزش و پرورش به پايه و دوره تحصيلي تقسيم مي‌شوند.

به عنوان مثال آموختن حروف الفبا، عدد نويسي، خواندن و نوشتن واژه ها جزء اهداف سال اول ابتدايي و آموزش زبان انگليسي جزه هداف هاي دوره ي متوسطه مي‌باشد.

برخي از هدف هاي آموزش و پرورش بسيار كلي و بعضي ديگر بسيار جزئي مي‌باشد.

تقسيم بندي هدف‌ها از كلي‌ترين به جزئي‌ترين آن‌ها به قرار زير است:

الف) هدف هاي غايي يا آرماني فلسفي- عقيدتي

اين هدف ها جنبه فلسفي و عقيدتي دارند و در حوزه عمل خبرگان نظام آموزش و پرورش قرار مي‌گيرند. مانند: تحكيم ايمان به خداي يكتا و لزوم تسليم در برابر امر او -- معاد و عدل خدا در خلقت و تشريع -- كرامت و ارزش والاي انسان

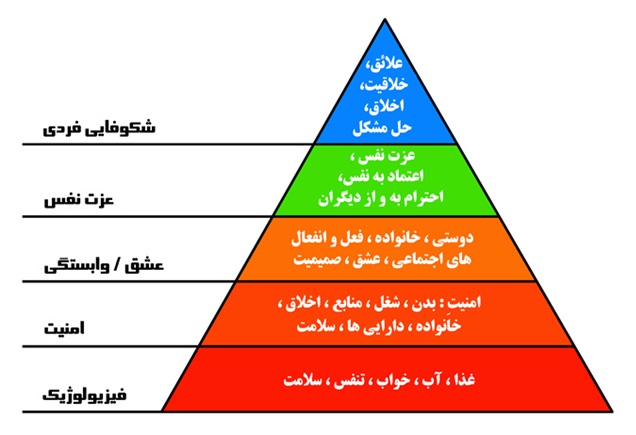
ب) هدف هاي كلي يا سياست‌ها و خط مشي‌هاي آموزش و پرورش

هدف هايي كه دولت ها براي آموزش و پرورش هر كشور در قانون اساسي معين مي‌كنند جنبه سياست گزاري دارند. كليت اين هدف‌ها از هدف‌هاي قبلي كمتر است و معمولا براي تمام افراد و آحاد ملت در نظر گرفته مي‌شوند. اين هدف‌ها در حيطه كار برنامه‌ريزان و كارشناسان قرار مي‌گيرند. مانند: - ريشه كن كردن بي سوادي- ايجاد فرصت مساوي براي برخورداري از تعليم و تربيت براي كليه كودكان- ايجاد حس مسئوليت در افراد نسبت به خود، خانواده و جامعه.

ج) هدف‌هاي كلي آموزشي و پرورشي (درسي)

هدف هاي كلي آموزشي و پرورشي نتايجي است كه انتظار مي‌رود پس از آموزش يك موضوع درسي يا انجام فعاليت ‌هاي تربيتي عايد دانش‌آموز گردد. اين هدف‌ها در رابطه با حيطه هاي شناختي، عاطفي و رواني- حركتي كه شرح آن‌ها به دنبال خواهد آمد، معين مي‌شوند.

منابع تعيين هدف‌هاي آموزشي : 1- نیاز شاگرد - 2 - نیاز جامعه - 3 دیدگاههای متخصصان



\*مازلو معتقد است تا نیاز های رده پایین ارضا نشود ،فرد فرصت ارضای نیازهای رده بالاتر را نخواهد داشت. \* شناخت نیاز های شاگردان در سنین مختلف از مهمترین کارهای معلم در تعیین هدفهای آموزشي است.

نیاز جامعه : باید وضع اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جامعه را در زمان گذشته حال و آینده بررسی و هدفهای آموزشی را بر اساس نیازهای آن جامعه تنظیم کرد .

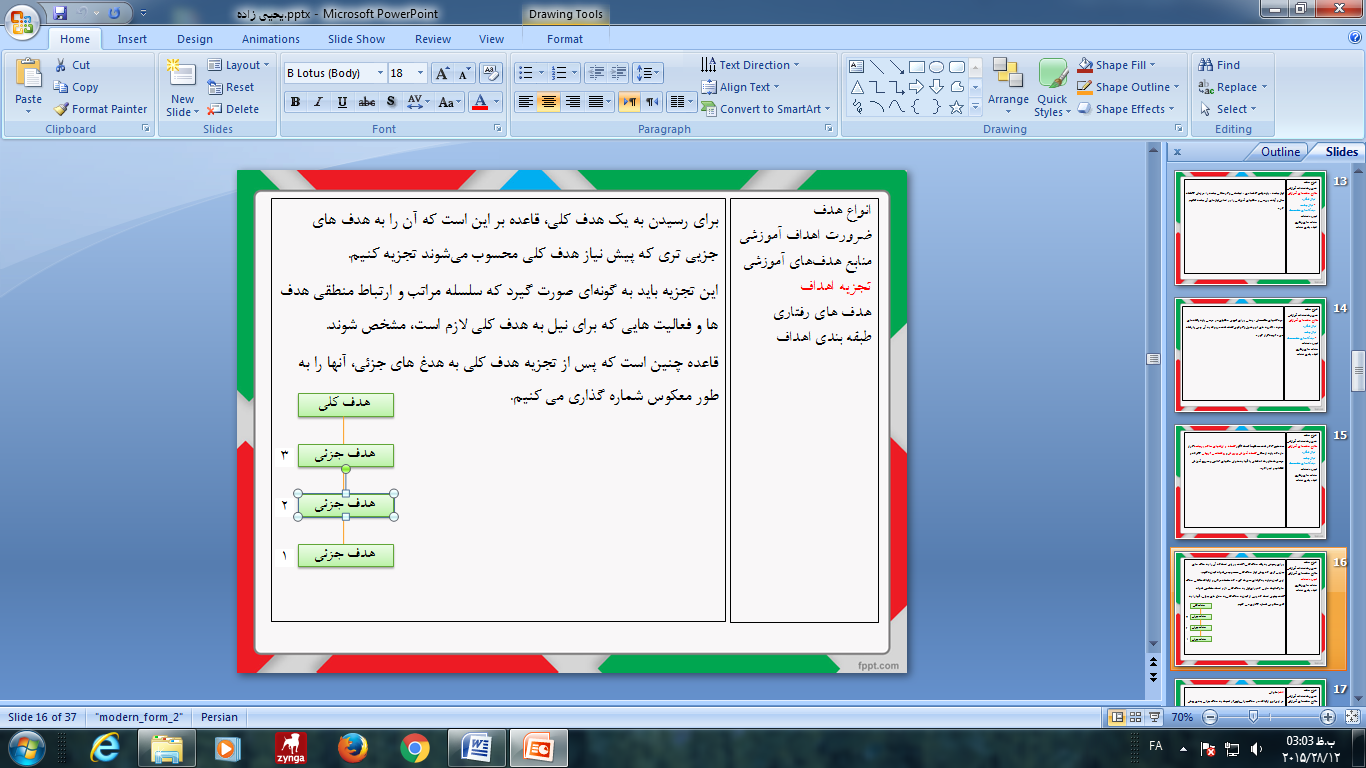
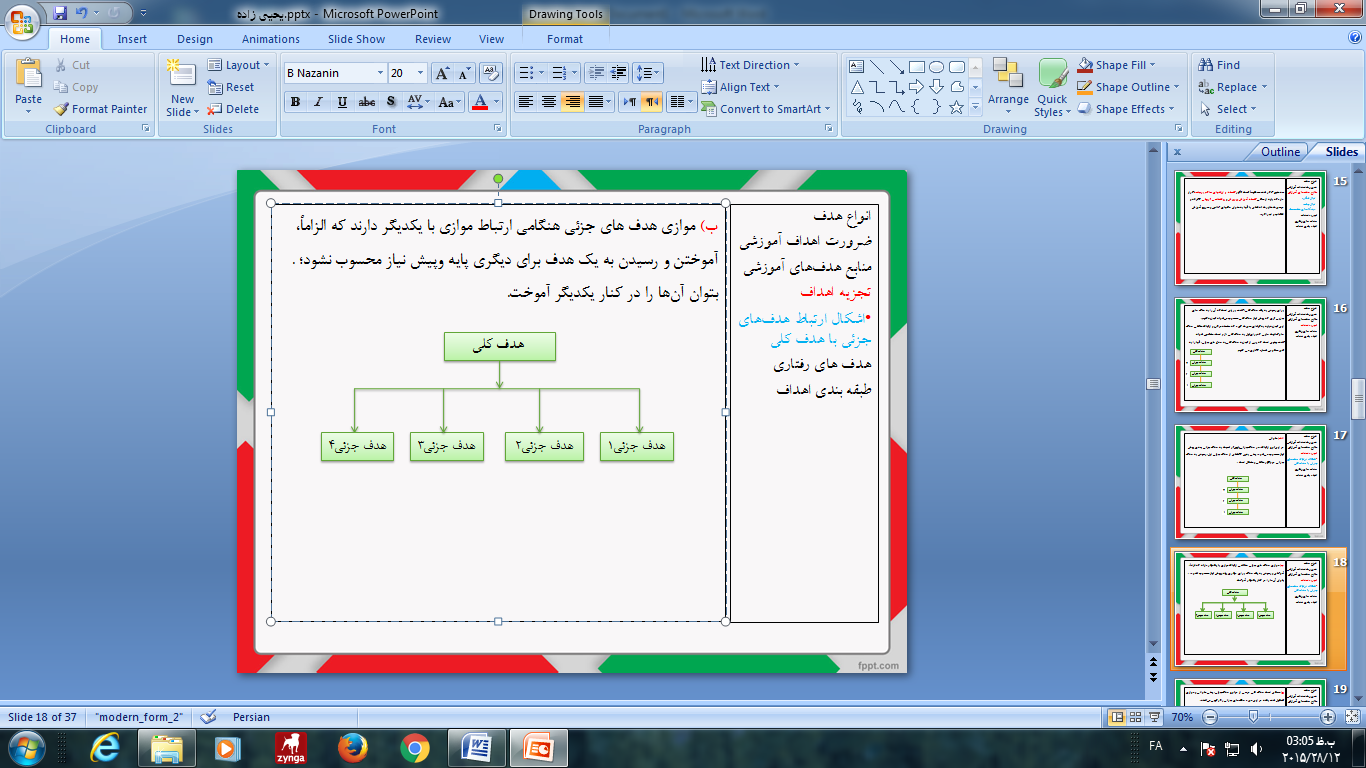
دیدگاههای متخصصان : یعنی برای تعیین هدفهای هر درسی باید یافته های جدید ، نظریه های نو و اصول و قوانین کشف شده مربوط به آن درس یا رشته مورد توجه قرار گیرد .

سه منبع ذکر شده مستقیماً تحت تأثیر فلسفه و ارزشهای حاکم برجامعه قرار دارد که باید از صافی فلسفه آموزش وپرورش و روانشناسی تربیتی گذراند و درصورت مغایرت نداشتن با آنها به عنوان هدفهای خالص و صریح آموزش انتخاب و اجرا کرد.

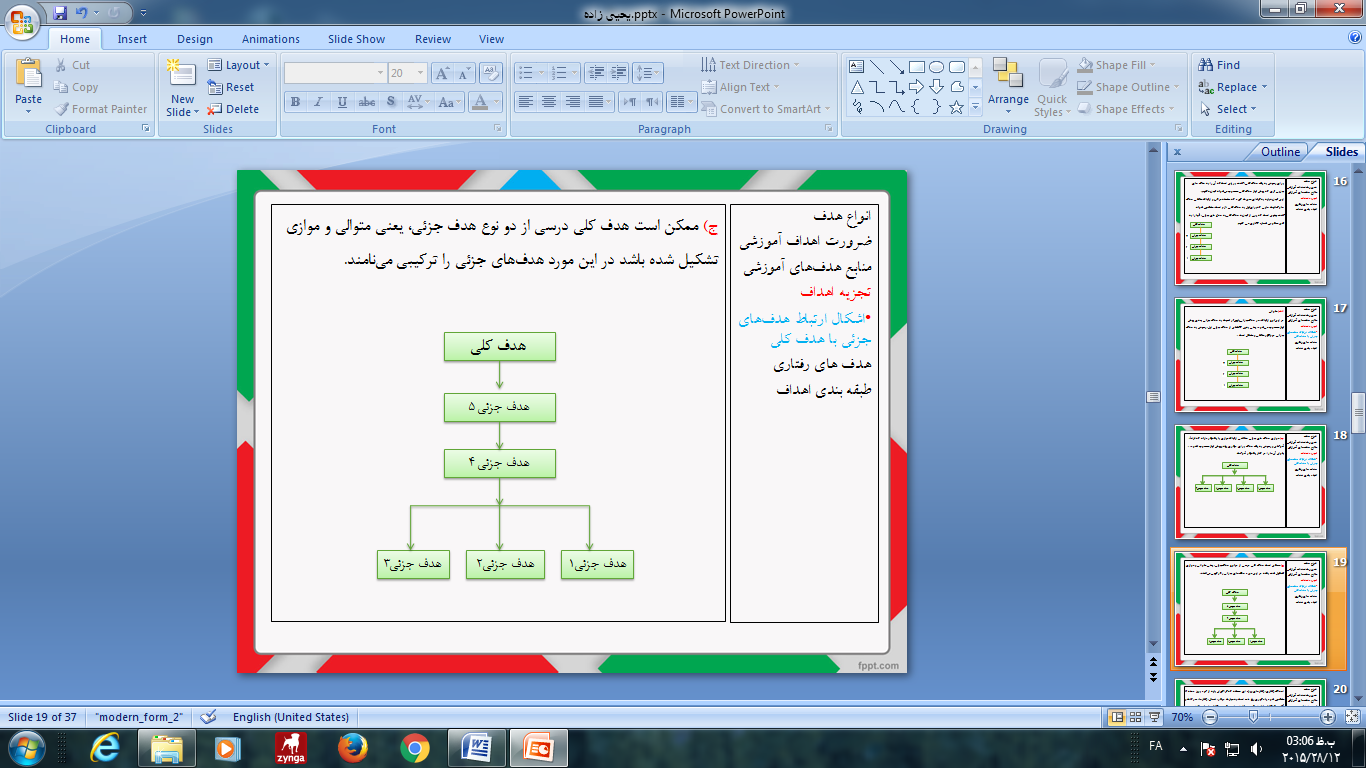
براي رسيدن به يك هدف كلي، قاعده بر اين است كه آن را به هدف هاي جزيي تري كه پيش نياز هدف كلي محسوب مي‌شوند تجزيه كنيم. اين تجزيه بايد به گونه‌اي صورت گيرد كه سلسله مراتب و ارتباط منطقي هدف ها و فعاليت ‌هايي كه براي نيل به هدف كلي لازم است، مشخص شوند. قاعده چنين است كه پس از تجزيه هدف كلي به هدغ هاي جزئي، آنها را به طور معكوس شماره گذاري مي كنيم.

الف) متوالي

در اين نوع ارتباط، هر هدف جزئي پايين‌تر نسبت به هدف جزئي بعدي پيش نياز محسوب مي‌‌شود؛ يعني بدون گذشتن از هدف جزئي اول، رسيدن به هدف جزئي دوم غير منطقي و مشكل است.

  
ب) موازي هدف هاي جزئي هنگامي ارتباط موازي با يكديگر دارند كه الزاماً، آموختن و رسيدن به يك هدف براي ديگري پايه وپيش نياز محسوب نشود؛ . بتوان آن‌ها را در كنار يكديگر آموخت. 

ج) ممكن است هدف كلي درسي از دو نوع هدف جزئي، يعني متوالي و موازي تشكيل شده باشد در اين مورد هدف‌هاي جزئي را تركيبي مي‌نامند.



اهداف رفتاري، رفتارهاي ويژه اي هستند كه فراگيران بايد از خود بروز دهند تا مشخص شود يادگيري رخ داده است. به عبارت ديگر، اعمال، رفتار‌ها، حركات و آثاري كه قابل مشاهده كردن، شنيدن، لمس كردن و قابل سنجش باشد.

وي‍‍ژگي‌هاي هدف هاي رفتاري:

مخاطب داشته باشند.- رفتار، مهارت يا دانشي است كه فراگير بايد كسب كند، يا عمل و مهارتي است كه قادر يه انجام آن باشد.

شرايط مشخص می کند که رفتار مورد نظر در چه موقعيتي انجام می شود يا انجام خواهد شد. معيارعبارت است از حداقل ميزان قابل قبول بروز رفتار مورد نظر.

فراگير محور هستند: اهداف رفتاري برآنچه كه انتظار مي رود فراگير انجام دهد تاكيد می کنند نه بر آنچه انتظار مي رود فرد آموزش دهنده انجام دهد.

نتايج و بروندادهاي يادگيري را توصيف مي كنند نه فعاليت هايي که منجر به نتايج می شوند.

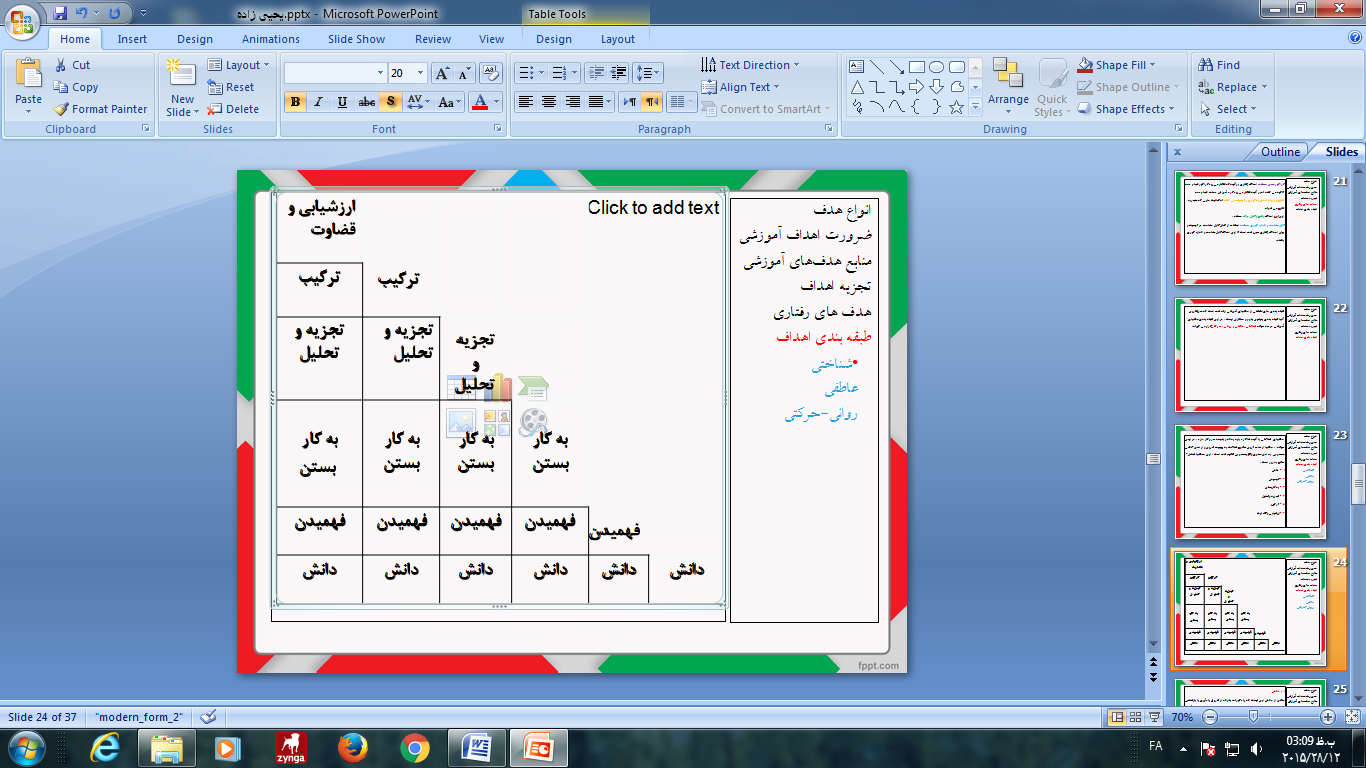
اين نوع اهداف واضح و قابل درك هستند.

قابل مشاهده و اندازه گيری هستند: استفاده از افعال قابل مشاهده در توصيف و بيان اهداف رفتاری سبب شده است تا اين اهداف قابل مشاهده و اندازه گيری باشند.

طبقه بندی های مختلفی از هدفهای آموزشی ارائه شده است که معروفترین آنها طبقه بندی بنیامین بلوم و همکاران اوست . در این طبقه بندی هدفهای آموزشي در سه حیطه شناختی ، عاطفی و روانی ، حرکتی قرار می گیرند .

هدفهای شناختی با آنچه شاگرد باید بداند و بفهمد سر وکار دارد . در این حیطه ، هدفها از ساده ترین سطوح شناخت به پیچیده ترین و از امور ذاتی محسوس به امور معنوی و غیرمحسوس تنظیم شده است . این هدفها شامل 6 سطح به زیر است :

1- دانش 2- فهمیدن 3- به کاربستن -4- تجزیه وتحلیل -5- ترکیب 6-ارزشیابی و قضاوت



1) دانش

منظور از دانش این نیست که یادگیرنده بتواند از طریق يادآوري یا بازشناسی شواهدی ارائه دهد ، حاکی از این که اندیشه یا پدیده ای را در جریان آموزش تجربه کرده و به خاطر سپرده است.

مهمترین اشکال وارده به این سطح زیاده روی معلمان در استفاده از آن و سرعت از یاد رفتن مفاهیم به ذهن سپرده شده .

\* در آزمون طبقه دانش چيز‌هايي كه آموخته مي‌شوند تا حدي عيناً مورد پرسش قرار مي‌گيرند.

2) فهميدن

توانایی پی بردن به مفهوم يک مطلب ،تبیين آن با جملاتی که شخص خودش می سازد. فهميدن سبب مي‌شود كه يادگيري براي دانش‌آموز معني‌دار و رضايت بخش باشد. این سطوح به اجزای فرعی دیگر تقسیم می شود:

الف : ترجمه -ب: تفسير -ج: برون یابی

الف . ترجمه ( برگردان) : مهارت برگرداندن یا تغییر دادن مطالب از شکلی به شکل دیگر بدون اینکه معنی و محتوای آن دگرگون شود .

ب . تفسیر : درک تدابیر گوناگون به کار برده شده در انتقال مفاهیم و یک نوع باز آرایی مفاهیم در ذهن است به عبارتی تفسیر شامل شایستگی در تشخیص نکات اساسی و جدا کردن آن از قسمت های کم اهمیت است .

ج . برون یابی : عبارت است از مهارت در تعمیم دادن یا بکار گیری اطلاعات در طول زمان به منظور پیش بینی نتایج خاص.

3) به کار بستن

عبارت است از توانایی کاربرد اصول علمی ، فرضیه ها ، قضایا و دیگر مفاهیم انتزاعی در وضعیت و موقعیت مناسب ، بدون اینکه هیچگونه راه حلی ارائه شود.

4) تجزیه و تحلیل

توانائی شکستن مطلب به اجزای تشکیل دهندة آن و یافتن روابط بین اجزا و نحوة سازمان یافتن آنها .

5) ترکیب

توانایی در هم آمیختن دوبارة قسمت هایی از تجارب گذشته با مطالب جدید و بازسازی آن به صورت یک کل تازه و نسبتاً انسجام یافته.\* نوآوري ،ابتكار و خلاقيت مورد توجه است.

6) ارزشیابی و قضاوت

توانایی قضاوت دربارة امور ، اطلاعات و حتی روش‌های رو به رو شدن با مسائل است . در واقع ارزشیابی نتیجه جریان شناخت است .طبقه ارزشيابي از آن نظر در پايان طبقات حيطه شناختي قرار گرفته است كه از حيث پيچيدگي و احتياج به آميختن كليه رفتار‌هاي طبقات قبلي نياز دارد و از همه آنها جامع تر است.

\* ارزشيابي حيطه شناختي را با رفتار‌هاي عاطفي، يعني علاقه داشتن و لذت بردن ارتباط مي‌دهد.

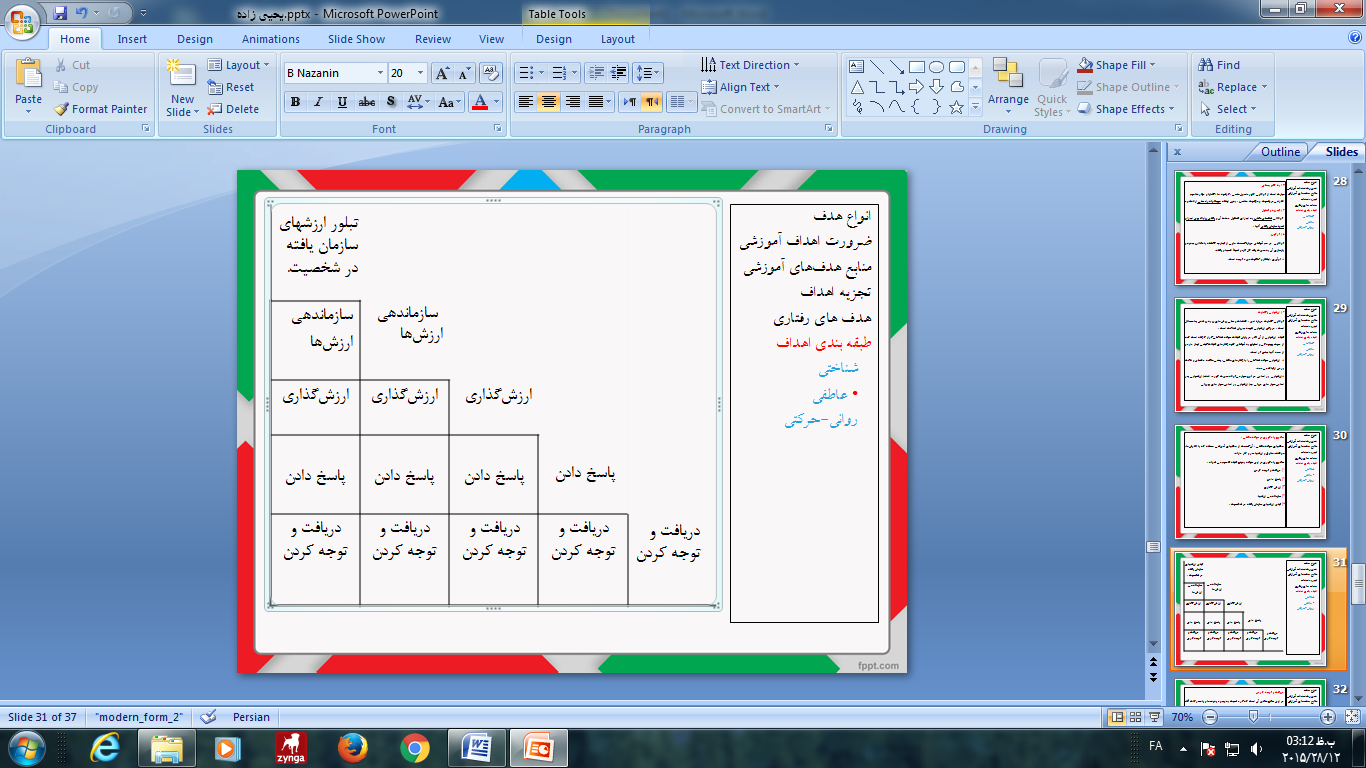
\*ارزشيابي بر اساس دو نوع معيار مي‌تواند صورت گيرد: الف) ارزشيابي بر اساس معيار هاي دروني ب) ارزشيابي بر اساس معيار هاي بيروني

سطوح یادگیری در حیطة عاطفی :

هدفهای حیطة عاطفی ، آن قسمت از هدفهای آموزشی هستند که با نگرش‌ها، عواطف، علایق و ارزشها سر و کار دارند .

سطوح یادگیری در این حیطه به پنج طبقه تقسیم می شوند :

1. دریافت و توجه کردن.2- پاسخ دادن.3-ارزش گذاری.4-سازماندهی ارزشها.5-تبلور ارزشهای سازمان یافته در شخصیت.



دریافت و توجه کردن

در اين سطح منظور آن است كه فرد نسبت به وجود پديده‌ها و يا محركات آگاه و حساس بوده و مايل به دريافت يا توجه به آن‌ها باشد.

پاسخ دادن

در این سطح فرد واکنشی در مورد مسأله مورد نظرش نشان می دهد. و به اندازه كافي انگيزه دارد، به طوري كه نه تنها مايل به توجه كردن است بلكه بهتر است بگوييم مه فعالانه توجه مي‌كند.

ارزشگذاری

در این مرحله ، شیء یا واقعه ، پدیده یا رفتاری با ارزش جلوه می کند .

رفتار در اين طبقه از حيطه عاطفي از ثبات و پايداري كافي برخوردار است، به نحوي كه به صورت خصلت ناشي از داشتن يك عقيده يا نگرش در مي‌آيد

سازماندهی ارزش‌ها

عبارت است از ادغام ارزشهای مختلف ، رفع تعارضات بین آنها و بنا نهادن یک نظام ارزشی پایدار و منسجم.

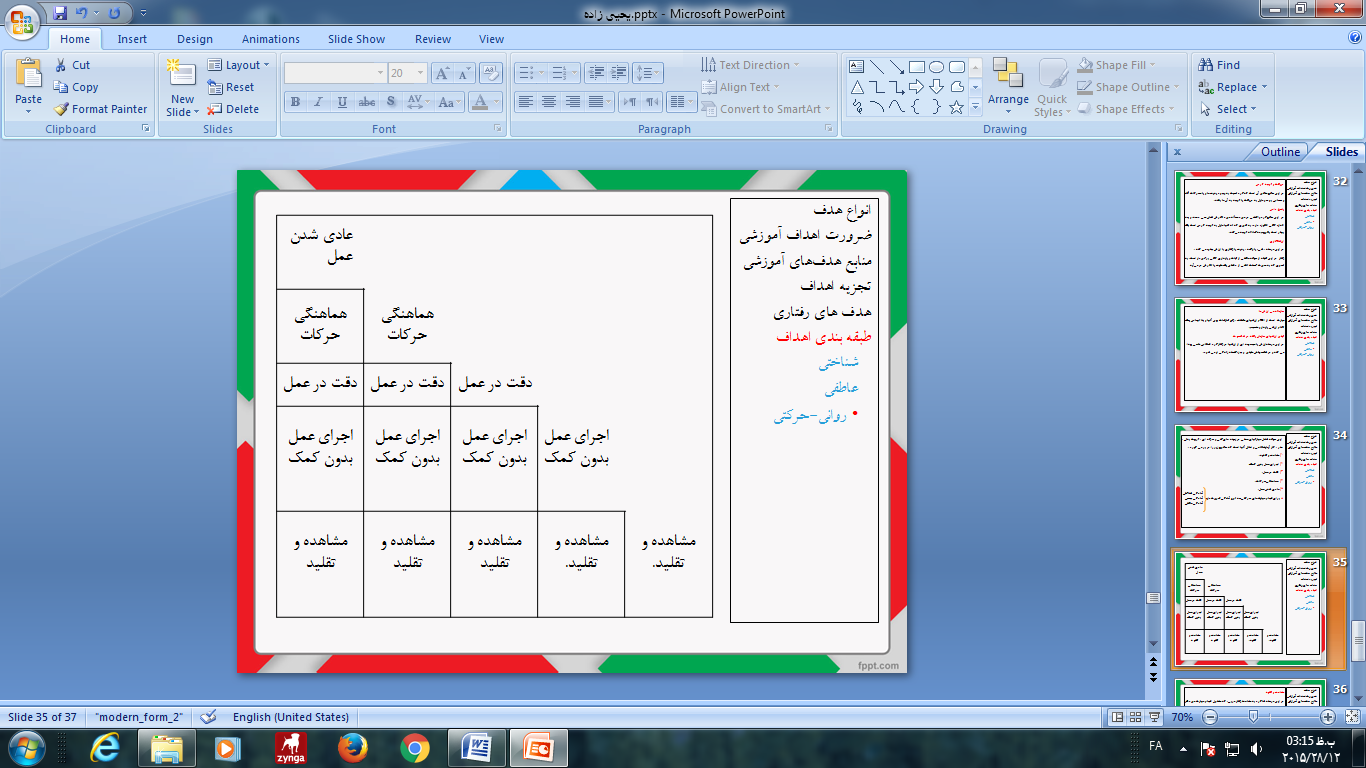
تبلور ارزشهای سازمان یافته در شخصیت

در این مرحله ارزش یا مجموعه ای از ارزشها در رفتار فرد انعکاس دائمي پیدا می کند و در شخصیتش متبلور و جزء فلسفه زندگی او می شود .

این حیطه شامل مهارتهای عملی در زمینه های فنی و حرفه ای ، تربیت بدنی ، هنر ، کار آزمایشگاهی و امثال آنها است که سطوح زیر را در بر می گیرد :

1. مشاهده و تقلید. 2-اجرای عمل بدون کمک.3-دقت در عمل.4-هماهنگی حرکات. 5-عادی شدن عمل.

\* براي انجام مهارت‌هاي حركتي سه نوع آمادگي ضرورت دارد 1- آمادگی شناختی 2- آمادگی جسمی - 3- آمادگی عاطفی



مشاهده و تقلید

در این مرحله شاگرد به مشاهدة رفتار مربی، که مشغول انجام مهارت مورد نظر است می پردازد. و بدون كمك و راهنمايي ديگران نمي‌تواند كاري را كه جنبه حركتي دارد درست انجام دهد

اجرای عمل بدون کمک

در این مرحله میزان وابستگی شاگرد به مربی بسیار ناچیز است و نیازی به یاری مستقیم مربی نیست .

دقت در عمل

در این مرحله شاگرد کار را با دقت ، سرعت و ظرافت انجام می دهد و توانایی کنترل اعمال خود را بر حسب نیاز ها پیدا می کند .

هماهنگی حرکات

یعنی برقراری هماهنگی بین مجموعه ای از اعمال با رعایت نظم و کارایی لوازم. به عبارت ديگر فرد در اين سطح مي‌تواند چند فعاليت را به طور همزمان و هماهنگ انجام دهد.

عادی شدن عمل

در این مرحله شاگرد به طور خودکار به انجام دادن کارهای دقیق و موزون عادت می کند. در اينجا ديگر شخص براي انجام يك عمل به فكر كردن و صرف انرژي عصبي جهت هماهنگ كردن فعاليت‌ها و تنظيم و توالي آن‌ها نياز ندارد و اغلب فعاليت‌ها او بدون شك و ترديد و به طور ناخودآگاه صورت مي‌گيرد.